



بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

﴿وَلَكُمْ نِصْفُ مَا تَرَكَ أَزْوَاجُكُمْ إِنْ لَمْ يَكُنْ لَهُنَّ وَلَدٌ فَإِنْ كَانَ لَهُنَّ وَلَدٌ فَلَكُمْ الرُّبْعُ مِمَّا تَرَكَنَّ مِنْ بَعْدِ وَصِيَّةٍ يُوصِينَ بِهَا أَوْ دَيْنٍ وَ لَهُنَّ الرُّبْعُ مِمَّا تَرَكَنَّ إِنْ لَمْ يَكُنْ لَكُمْ وَلَدٌ فَإِنْ كَانَ لَكُمْ وَلَدٌ فَلَهُنَّ الثُّمْنُ مِمَّا تَرَكَتُمْ مِنْ بَعْدِ وَصِيَّةٍ تُوصُونَ بِهَا أَوْ دَيْنٍ﴾^۱.

این آیه شریفه که مربوط به بحث ما یعنی مسئله میراث الأزواج است دلالت دارد بر اینکه اگر زن فرزند یا فرزندی فرزند چه از این شوهر یا از شوهر دیگر نداشته باشد نصف ترکه اش مال شوهر است ولی اگر فرزند داشته باشد چه از این شوهر یا از شوهر دیگر بلاواسطه او مع الواسطه در اینجا سهم مرد ربع می باشد پس مرد در یک فرض نصف و در فرض دیگر ربع می برد، اما اگر شوهر فرزند نداشته باشد زن ربع می برد چه یک زن باشد و یا چند زن و اگر شوهر فرزند داشته باشد چه از این زن یا از زهای دیگر بلاواسطه او مع الواسطه در اینجا سهم زن ثمن است چه یک نفر باشد یا چند نفر باشند.

طبق آیات قران و روایات ثابت کردیم که متعه زوجه و حلال است خلافاً للعامه و از طرفی قران کریم نیز می گوید زوجه از شوهرش ارث می برد اما در عین حال قائلیم که متعه ارث نمی برد حالا باید این مسئله را بررسی کنیم.

دلیل ما : روایات فراوانی داریم که دلالت دارند بر اینکه در متعه ارث نیست، صاحب وسائل این روایات را در دو جا ذکر کرده؛ اول در کتاب نکاح که در جلد ۱۴ و مسائل ۲۰ جلدی واقع شده است و دوم در کتاب ارث که در جلد ۱۷ از مسائل ۲۰ جلدی واقع شده است، عموم کتاب الله می گوید متعه ارث می برد اما روایات می گویند متعه ارث

نمی برد و این از مواردی است که بین عموم کتاب الله و خواص اخبار علی الظاهر تعارضی بوجود می آید البته از این موارد باز هم داریم مانند باب "حبوه" که در روایات خوانندم متعلق به پسر بزرگتر می باشد ولی عموم قران می گوید متعلق به همه فرزندان می باشد پس این اخبار حبوه عموم قران را تخصیص می زند و در مانحن فیه نیز روایات دال بر عدم ارث متعه مخصص عموم قران می باشند.

امام رضوان الله علیه در تحریر الوسيله اينطور فرموده: «مسألة ۲: يشترط في التوارث بالزوجية أن يكون العقد دائماً، فلا توارث في الانقطاع لا من جانب الزوج ولا الزوجية بلا اشتراط بلا إشكال، ومعه (شرط) من جانب أو جانبيين في غاية الاشكال، فلا يترك الاحتياط بترك الشرط ومعه (شرط) لا يترك بالنصالح (يعني با بقيه وراث صلح کند)... إلى آخر كلامه الشريف»^۲.

دو مطلب در اینجا وجود دارد؛ اول اینکه در عقد نکاح موقت ارث شرط نشده باشد و دوم اینکه ارث شرط شده باشد که فعلاً بچثمان در مورد اول می باشد. خب و اما مقداری از روایاتی که دلالت دارند بر اینکه متعه ارث نمی برد و در واقع مخصص عموم قران شده اند را می خوانیم.

اول روایاتی که در کتاب الارث ذکر شده اند را می خوانیم، عنوان باب ۱۷ از ابواب میراث الأزواج این است: «باب ۱۷: ثبوت التوارث بين الزوجين مع دوام العقد وعدم ثبوته في المتعة وحكم اشتراط الميراث».

خبر اول: ﴿محمد بن يعقوب، عن علي بن إبراهيم، عن أبيه، عن النوفلي، عن السكوني، عن أبي عبد الله عليه السلام قال: تحل الفروج بثلاث: نكاح بميراث، ونكاح بلا ميراث، ونكاح بملك اليمين﴾^۳.

^۲ تحریر الوسيله، امام خمینی (رن)، ج ۲، ص ۳۹۶، ط نجف.

^۳ وسائل الشیعة، شیخ حر عاملی، ج ۱۷، ص ۵۳۶، ابواب مرث الأزواج، باب ۱۷، حدیث ۱، ط الإسلامیة.

^۱ سوره نساء، آیه ۱۲.

دارند بر اینکه متعه ارث نمی برد و دسته دیگر دلالت دارند بر اینکه اگر ارث را شرط کردند ارث می برد و اگر شرط نکردند ارث نمی برد.

این بحث به قاعده "المؤمنون عند شروطهم" نیز مربوط می شود که بعداً در این رابطه هم بحث خواهیم کرد.

صاحب جواهر در جلد ۳۰ از جواهر ۴۳ جلدی در کتاب النکاح در شرح این قسمت از کلام محقق: «السابع: لا یشیت بهذا العقد میراث بین الزوجین شرطاً سقوطه أو أطلقاً»^۷، چند صفحه بحث کرده و آخر الامر فرموده حتی اگر شرط هم بشود ارث نیست زیرا در عقد نکاح انقطاعی وقتی که مرد فوت کرد به طور کلی ارتباطش با آن زن قطع و مانند اجنبی می شود ولی در عقد نکاح دائمی اینطور نیست و علقه و ارتباط بین شوهر و زن محفوظ می ماند خلاصه صاحب جواهر با شدت ارث بردن متعه را مطلقاً رد می کند و در پایان کلامش اینطور می فرماید: «فالتحقیق عدم إرثها مطلقاً بل لو اشترطاً ذلك فی العقد علی غیر جهة الوصیة بطل العقد بناء علی اقتضاء بطلان الشرط بطلانه، والله هو العالم»^۸.

یک مورد استثناء شده و آن هم اینکه مرد وصیت کند.

و اما در مورد قاعده "المؤمنون عند شروطهم" باید عرض کنیم که شرط باید مشروع و جایز باشد، شرط در ضمن عقد لازم، لازم الوفاء است ولی شرط در ضمن عقد جایز، لازم الوفاء نیست، خلاصه بحثهای زیادی در این قاعده و ارتباطش با شرط ارث متعه وجود دارد که بعداً عرض خواهیم کرد إن شاء الله تعالی ...

والحمد لله رب العالمین و صلی الله علی

محمد و آله الطاهیرین

کلینی طبقه ۹ و علی بن ابراهیم استاد او از طبقه ۸ و ابیه یعنی ابراهیم هاشم از طبقه ۷ می باشد که همگی موثق هستند البته در ابراهیم بن هاشم بحث است ولی ما او را موثق می دانیم، نوفلی شیعه است ولی توثیق نشده منتهی سکونی از عامه است ولی توثیق شده، علی آئی حال خبر مورد عمل اصحاب می باشد.

خبر دوم: «وعنه عن أبیه، عن أحمد بن محمد بن أبی نصر، عن أبی الحسن الرضا علیه السلام قال: تزویج المتعة نکاح بمیراث و نکاح بغیر میراث، إن اشترطت کان لها وإن لم تشترط لم یکن»^۴.

کلینی عن علی بن ابراهیم عن ابراهیم بن هاشم عن محمد بن أبی نصر که همگی ثقة می باشند و خبر سنداً صحیح است.

خبر سوم: «قال کلینی: وروی أنه لیس بینهما میراث اشترط أو لم یشرط»^۵.

خبر مرسل می باشد.

خبر چهارم: «أحمد بن أبی عبد الله فی (المحاسن) عن العباس بن معروف (ثقه و از طبقه ۶ است)، عن القاسم بن عروة (مجهول الحال است)، عن عبد الحمید الطائی، عن محمد بن مسلم قال: قلت لأبی جعفر علیه السلام: لم لا تورث المرأة عمن یتمتع بها؟ فقال: لأنها مستأجرة وعدتها خمسة وأربعون يوماً»^۶.

خبر از جهت قاسم بن عروه ضعیف می باشد.

روایات خیلی زیاد هستند لذا خودتان مراجعه و مطالعه فرمائید، البته در باب ۳۲ نیز روایاتی ذکر شده اند و به طور کلی روایات دو دسته می باشند؛ یک دسته دلالت

^۴ وسائل الشیعة، شیخ حر عاملی، ج ۱۷، ص ۵۳۶، ابواب مرث الأزواج، باب ۱۷، حدیث ۲، ط الإسلامیة.

^۵ وسائل الشیعة، شیخ حر عاملی، ج ۱۷، ص ۵۳۶، ابواب مرث الأزواج، باب ۱۷، حدیث ۳، ط الإسلامیة.

^۶ وسائل الشیعة، شیخ حر عاملی، ج ۱۷، ص ۵۳۶، ابواب مرث الأزواج، باب ۱۷، حدیث ۴، ط الإسلامیة.

^۷ جواهر الکلام، شیخ محمد حسن نجفی جواهری، ج ۳۰، ص ۱۹۰، ط ۴۳ جلدی.

^۸ جواهر الکلام، شیخ محمد حسن نجفی جواهری، ج ۳۰، ص ۱۹۰، ط ۴۳ جلدی.